

تدوین حدیث (۳)

صحابه و کتابت حدیث

محمدعلی مهدوی راد

در مقاله پیشین، از «کتابت حدیث در عصر پیامبر(ص)» سخن گفتیم و نشان دادیم که سنت آن بزرگوار، بر لزوم کتابت استوار است. پس از آن، احادیث گزارش شده از رسول الله(ص) در منع کتابت را نقد کردیم و نشان دادیم که از حجیت، ساقط است. اکنون در این شماره، شماری از صحابیان را یاد می‌کنیم که حدیث را می‌نگاشتند و بر نگارش و نشر آن، تاکید می‌ورزیدند.

از آنچه در بحث پیشین آوردیم، روشن شد که رسول الله(ص) بر کتابت حدیث تاکید می‌کرده است و کتابت حدیث، به امر رسول الله(ص)، به روزگار حیات آن بزرگوار، معمول بوده؛ و هیچ منعی از جانب آن بزرگوار در نگارش حدیث، صادر نشده است؛ و روایات منسوب، قطعاً بر ساخته است و از حجیت، ساقط. بدین سان، باید تأمل کرد و به دقت در نگریست که صحابیان چه می‌کردند. آیا آنان به ضبط و ثبت حدیث، همت می‌گماشتند یا نه؟ تأمل در نصوص تاریخی و بررسی منابع شرح حال نگاری، تردیدی باقی نمی‌گذارد در اینکه، پاسخ این سؤال نیز مثبت است؛ و نشان می‌دهد که صحابیان به پیروی از تاکیدها و ترغیبهای پیامبر اکرم(ص) حدیث را می‌نوشتند. از نگاشته‌ها و نوشته‌های آنان، در متون کهن، گاه به «صحیفه» و دیگرگاه به «نسخه» یاد شده است. اکنون این دو اصطلاح را بازشناسی کنیم.

(۱) صحیفه:

«صحیفه» برگگی است نگاشته شده، که آن را به «صُحُف» جمع می‌بستند؛ البتّه ساختار قیاسی آن، «صحائف» است^۱. ابن حجر عسقلانی، صحیفه را به «ورقة مكتوبة» تفسیر کرده است^۲؛ بنابراین، «صحیفه» در اصل وضع لغوی، بر «برگی نگاشته شده» اطلاق می‌شده است و در ادامه استعمال، بر برگهای نگاشته شده نیز اطلاق شده است.

در گزارشهای تاریخی آمده است که چون رسول الله (ص) بر ابلاغ آیین خود، پای فشرده و تطمیع‌ها، تهدیدها و پیشنهادهای قریش را برای کنار آمدن با آنها و دست شستن از تبلیغ برنتابید، آنان، همپیمان شدند که یکسر با رسول الله (ص) رویارویی کنند و او و همگامانش را در انزوا قرار دهند. سپس پیمان نامه‌ای نگاشتند و آن را در میان کعبه آویختند، از این پیمان نامه که «برگی مکتوب» بود، به «صحیفه» یاد شده است^۳.

بدین سان، «صحیفه» در اصطلاح محدثان، مکتوبی است مشتمل بر حدیث و یا

احادیثی از رسول الله (ص)، نگاشته شده بر برگگی و یا برگهایی^۴.

(۲) نسخه:

در میان آثار شرح حال نگاران و در ضمن شرح حال محدثان و راویان، گاه از عنوان «نسخه» سخن رفته است که آن نیز گویا حدیث یا احادیثی است نگاشته شده بر برگگی و یا برگهایی. برخی از حدیث پژوهان نوشته‌اند:

از جهت اصطلاح، «صحیفه» نگاشته‌ای است مشتمل بر یک حدیث یا بیشتر (با

یک سند) که ممکن است موضوعات مختلف را در بر داشته باشد؛ مانند:

۱. العین، خلیل بن احمد فراهیدی: ۱۲۰/۳؛ تاج العروس: ۵/۲۴

۲. فتح الباری: ۱/۱۰۰۰؛ التراتیب الإدارية، عبدالحی الکتانی: ۲۵۷/۱

۳. سیره ابن هشام: ۱/۳۵۰... ثم علقوا الصحیفة فی جوف الکعبة...؛ تاریخ طبری: ۲/۷۸

۴. معرفة النسخ والصحف الحدیثیة، بکر بن عبد الله ابوزید: ۲۴-۲۵

صحیفه همّام . اما اگر اسناد متعدّدی داشت، از آن به «نسخه» یاد می کنند ...^۵
یادآوری کنم که صحیفه ها و نسخه ها، گاه به کاتب و نگارنده آن نسبت داده
می شده است، و گاه به املاکننده آن؛ مانند «صحیفه جابر» که آن را شاگردش سلیمان بن
قیس یشکری نگاشته است.

اکنون با نگاهی به منابع شرح حال نگاری و کتابهای رجال و ... می کوشیم تا گروهی
از صحابیان را که حدیث را می نگاشتند و «صحیفه» یا «نسخه» ای بدانها نسبت داده
شده است، شناسایی کنیم. نامهای صحابیان را بر اساس الفبا می آوریم و آگاهی های لازم
را در ذیل نامها گزارش می کنیم.^۶

- ابو امامة الباهلی: صدی بن عجلان

- ابو ایوب الانصاری: خالد بن زید



۱. ابوبکر بن ابی قحافة:

بی گمان، ابوبکر، به روزگار حیات رسول الله (ص) احادیث را می نگاشته است. بر
اساس برخی گزارشها، وی، ۵۰ حدیث از احادیث رسول اکرم (ص) را نگاشته بود که پس
از پیامبر و بعد از مدتی اندیشیدن، و بر چگونگی اش در نگریستن (۱۱) آنها را به آتش
کشید.^۷ برخی از پژوهشیان بر این باورند که وی پس از پیامبر نیز حدیث را
می نگاشته است.^۸

پس از این، در زمینه چگونگی حدیث نگاری ابوبکر و اقدام او به منع کتابت و شعار
وی در این باره، سخن خواهیم گفت.

۵. معرفة النسخ والصحف الحديثية: ۲۳

۶. این گزارش را بر اساس فهرست دکتر محمد مصطفی اعظمی بنیاد نهاده ام، و در تکمیل و تنقیح آن،
منابع وی را بازنگری و به منابع بسیار دیگر نیز مراجعه کرده ام.

۷. تذکرة الحفاظ: ۵/۱

۸. دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوین، محمد مصطفی اعظمی: ۹۴/۱

- ابوبکر الشقی: نفع بن مسروح

۲. ابورافع:

وی، از صحابیان جلیل رسول الله (ص) و از پیشتازان در کتابت و تالیف است. پس از این، در ضمن بحث تدوین حدیث در شیعه، به تفصیل از وی یاد خواهیم کرد.
- ابوسعید الخدري: سعد بن مالک

۳. ابوشاة الكلبي:

چون رسول الله (ص) بر مکه چیره گشت، در میان مردمان، خطبه ای ایراد کرد و در ضمن آن، از جایگاه بلند مکه و از برخی احکام و رفتارهای مسلمانان و ... سخن راند. ابوشاه کلبی که از مردمان یمن بود، به پاخاست و از رسول الله (ص) تقاضا کرد که این سخن را برای وی بنویسند، و پیامبر دستور داد چنان کنند.^۹ از آن پس، این سخن، به حدیث «ابوشاة» شهره شد^{۱۰}، که عالمان بسیاری در جواز (بلکه لزوم) کتابت حدیث، بدان استناد کرده اند، و ما پس از این نیز بدان اشاره خواهیم کرد.

۴. ابوهریره، الدوسی الیمانی:

وی از صحابیان مشهور رسول الله (ص) و از راویان و محدثانی است که به کثرت نقل از سوی و به جعل و وضع از سوی دیگر، شهره است.^{۱۱} در میان نقلهای گونه گون درباره ابوهریره، گزارشهایی توان یافت که تصریح دارد ابوهریره احادیث را به حافظه می سپرده و کتابت نمی کرده است^{۱۲}؛ اما نقلها و گزارشهایی نیز هست که نشانگر آن است که وی

۹. الاستیعاب: ۲۴۹/۴؛ الإصابة: ۱۷۱/۷؛ اسدالغابة: ۱۵۸/۶

۱۰. صحیح مسلم: ۹۸۸/۲؛ تقييد العلم: ۸۶؛ المحدث الفاصل: ۳۶۳؛ جامع بیان العلم: ۷۰/۱

۱۱. بنگرید به: ابوهریره، علامه سید عبدالحسین شرف الدین؛ شیخ المضیره ابوهریره، محمود ابوریة.

۱۲. جامع بیان العلم: ۷۴/۱؛ فتح الباری: ۲۱۵/۱

حدیث را می نوشته است. ^{۱۳} آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی بر این باور است که جمع میان دو گونه نقل، بدینگونه ممکن است که بگوییم عدم کتابت ابوهریره، در زمان رسول الله (ص) بوده است و کتابت وی، پس از رسول الله (ص). ^{۱۴} کسان بسیاری از ابوهریره حدیث شنیده اند و صحیفه ها و نسخه ها از نقلهای وی نوشته اند. ^{۱۵} آنچه آوردیم، نشانگر این حقیقت تواند بود که وی، حدیث را می نگاشته است؛ چه در زمان پیامبر (ص) و یا پس از آن.

۵- ابوهند الداری:

او از قبیله «دار» است که گویا نامش «بریر» بوده است و به کنیه شهرت دارد. داستان حضور وی با تمیم داری، در محضر رسول الله (ص) و درخواست قطعه زمینی در شام و واگذاری رسول الله (ص) و نگاشتن قراردادی برای آن، در منابع شرح حال نگاری آمده است. ابن حجر، پس از گزارش آن می نویسد: من درباره آن، رساله ای پرداخته ام با عنوان «الجلیل بحکم بلد الخلیل». ^{۱۶} از ابوهند، روایاتی در منابع حدیثی آمده است، و گویا ابو عبدالله مکحول شامی، از احادیثی که وی نقل کرده است، نگاشته ای را سامان داده است. ^{۱۷}

۶. ابی بن کعب الأنصاری:

وی، از صحابیان جلیل و از مفسران ارجمند و از موالیان علی بن ابی طالب (ع) بوده است. از ابی بن کعب و ثبت و ضبط وی از حدیث، در بخش دیگری از این سلسله

۱۳. جامع بیان العلم: ۷۴/۱؛ المستدرک: ۴؛ التراتیب الإدارية: ۲/۲۴۶

۱۴. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۷/۱

۱۵. از جمله کسانی که از وی حدیث نقل کرده و صحیفی نگاشته اند، می توان از: ابوصالح السمان، محمد بن سیرین وهام بن منبّه، یادکرد. بنگرید به دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۹-۹۶/۱

۱۶. الإصابة: ۳۷۴/۷

۱۷. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۸/۱؛ الإصابة: ۳۷۴/۷؛ تهذیب الکمال: ۴۷۰/۲۸

مقالات یادخواهیم کرد.

۷. أسماء بنت عمیس :

او از پیشتازان در اسلام و از چهره های منور تاریخ اسلام و از مهاجران شکوهمند روزگار شکنجه و رنج و از مدافعان جدی «حق خلافت و خلافت حق» است. از اسماء و کتابت او از حدیث، پس از این یاد خواهیم کرد.

۸. اُسَیْدِ بْنِ حُضَیْرِ الْأَنْصَارِيِّ :

اُسَیْدِ، از صحابیان و از چهره های برجسته مدینه است. او پس از رسول الله (ص)، در حاکمیت ابوبکر کوشید^{۱۸} و از جمله کسانی است که با عمر بن الخطاب برای بردن علی (ع) به مسجد، به خانه آن بزرگوار هجوم آورد. ^{۱۹} اُسَیْدِ، برخی از احادیث رسول الله (ص) را نگاشته و نیز برخی از داوریهای آن بزرگوار و خلفا را. ^{۲۰}

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۹. آنس بن مالک :

آنس، از صحابیان، محدثان و مقریانی است که به خدمتگزاری رسول الله (ص) مشهوراند.

او خطی نیکو داشت^{۲۱} و احادیث رسول الله (ص) را می نگاشت و بر نگارش آن، تاکید می ورزید و به فرزندانش نیز امر می کرد که بنویسند^{۲۲} و از تباه شدن دانش جلوگیری کنند. این تاکید و ترغیب، تا بدانجاست که از وی نقل کرده اند:

۱۸. تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری): ۲۲۱/۳؛ شرح ابن ابی الحدید: ۳۹/۲

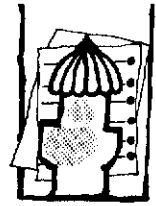
۱۹. الإمامة والسیاسة (تحقیق: علی شیری): ۲۸/۱؛ شرح ابن ابی الحدید: ۵۰/۲

۲۰. مستند احمد بن حنبل: ۲۶۶/۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۰/۱. درباره شرح حال وی،

بنگرید به تهذیب الکمال: ۲۴۶/۳؛ قاموس الرجال: ۱۳۸/۲

۲۱. سیر اعلام النبلاء: ۴۰۱/۳

۲۲. طبقات ابن سعد: ۲۲/۷؛ المحدثات الفاضل: ۳۶۸؛ تقييد العلم: ۹۶



كُنَّا لَا نَعُدُّ عِلْمَ مَنْ لَمْ يَكْتُبْ عِلْمَهُ عِلْمًا ... ۲۳

ما دانش کسی را که نمی‌نگاشت و ثبت و ضبط نمی‌کرد، دانش نمی‌دانستیم.

یعنی به استواری و دقت آن، باور نداشتیم. در گزارشهایی آمده است که در نزد آنس،

نگاشته‌های فراوانی بوده است؛ هبیره بن عبدالرحمن می‌گوید:

چون آنس آهنگ نقل حدیث می‌کرد و مردم برای شنیدن آنبوه می‌شدند،

نگاشته‌هایش را می‌آورد و بر مردمان می‌خواند و می‌گفت اینها احادیثی است

که من از رسول‌الله (ص) شنیده‌ام ... ۲۴

آنس، مجالس کتابت داشت؛ احادیث را املامی کرد و دیگران می‌نوشتند. ۲۵

بدین سان، کسان بسیاری از وی حدیث آموختند و احادیثی از وی دریافته، نگاشتند؛

از جمله، ثمامه بن عبیدالله بن آنس که «کتاب الصدقات» را از آنس می‌داشته است ۲۶ و

کثیرین سلیم راوی که از آنس، «نسخه‌ای را روایت می‌کرده است. ۲۷

۱۰. براء بن عازب الانصاری الخزرجی:

براء، از صحابیان رسول‌الله (ص) و فرزند صحابی پیامبر (ص) (عازب بن حارث)

است. براء از راویان «حدیث غدیر» است که در مواضع مختلفی آن حدیث را گزارش

کرده است. ۲۸ براء بر کتابت حدیث، تأکید داشته است. او محافل تحدیث تشکیل

۲۳. تقييد العلم: ۹۶؛ شرف أصحاب الحديث: ۹۷

۲۴. تقييد العلم: ۹۵-۹۶

۲۵. تاريخ بغداد: ۲۵۹/۸؛ المحدث الفاضل: ۳۶۷

۲۶. الكفاية: ۳۳۱

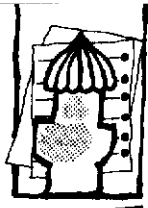
۲۷. تهذيب التهذيب: ۵۲/۲ و نیز بنگرید به دراسات فی الحديث النبوی: ۱/۱۰۲ و معرفة الصحف

والنسخ الحديثية: ۹۹

۲۸. نقل براء را از حدیث غدیر، با طرق مختلف و منابع و مصادر آن، بنگرید در: الغدير (تحقیق

مرکز الغدير للدراسات الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۰ و پانوشت ص ۵۲، که در آن، گزارش منابع و

مصادر بسیار آن، به همت والای محقق بزرگ، روانشاد سید عبدالعزیز طباطبایی آمده است.



می داد؛ حدیث می گفت و جستجوگران حدیث، به املائی او می نگاشتند. ۲۹

۱۱. جابرین سمرة السوائی:

او هم از روایان حدیث غدیر است^{۳۰}. او نیز حدیث را می نگاشت. عامر بن سعد بن ابی وقاص، می گوید: نامه ای برای جابرین سمرة فرستادم و از وی خواستم تا برخی از احادیثی را که از رسول الله (ص) شنیده است، برای من بنویسد، و وی چنین کرد...^{۳۱}

۱۲. جابرین عبدالله الانصاری:

وی، صحابی جلیل القدر رسول الله (ص) محدث و مفسری بزرگ و از پیشتازان در دفاع از حق است. عمر او سالیان دراز پایید و بدین سان، از سرچشمه زلال آگاهیهایش - که از آل الله فرا گرفته بود- دیگران را سیراب ساخت. درباره جایگاه او در کتابت حدیث، در آینده سخن خواهیم گفت.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۳. جریرین عبدالله البجلی:

جریر از صحابیانی است که زندگی اش دارای دیگرسانی ها و کژرفتاریهایی است. او از یاری علی (ع) تن زد، و به ستم و ستمگری روی آورد.^{۳۲} جریر، حدیث را می نوشت. از جمله آورده اند که او در هنگامه ای که گرسنگی و دشواریهایی برخی مناطق را فرا گرفته بود، به معاویه نوشت:

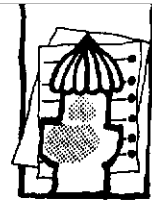
از رسول الله (ص) شنیدم که فرمود:

۲۹. سنن دارمی: ۱/۱۲۸؛ تقييد العلم: ۱۰۵؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱/۱۰۴

۳۰. مقتل الحسين، خوارزمي: ۱/۴۸؛ كنز العمال: ۱۳/۱۳۶؛ الغدير: ۱/۵۷

۳۱. صحيح مسلم: ۴/۱۴۵۳ و ۱۸۰۲؛ مسند احمد بن حنبل: ۶/۹۳

۳۲. اسد الغابة: ۱/۵۲۹، الإصابة: ۱/۵۸۱؛ قاموس الرجال: ۲/۵۸۴



آنکه بر مردمان رحم نکند و مهر نورزد، خداوند به او رحم نخواهد کرد. ۳۳

۱۴. حسن بن علی (ع):

سبط اکبر، پیشوای راستین امت، حسن بن علی (ع)، بر کتابت و ضبط حدیث بسی تاکید داشته است. در آینده در این باره، به تفصیل، سخن خواهیم گفت.

۱۵. خالد بن زید:

خالد بن زید (مشهور به ابویوب) انصاری، از مشاهیر صحابه است؛ همو که رسول خدا در مدینه در خانه وی سکنی گزید. ابویوب، از استوارگامان بر «صراط مستقیم» بود و همواره حرمت حق را پاس می داشت. از نقش وی در کتابت حدیث، پس از این، سخن خواهیم گفت.

۱۶. رافع بن خدیج الانصاری:

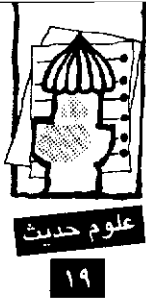
وی از صحابیان پیامبر (ص) و از کسانی است که بجز نبرد احد - که به سبب خردسالی، اجازه شرکت در آن را نیافت -، در دیگر نبردها همراه رسول الله (ص) بوده است. ۳۴ به هنگام نبرد احد، نیزه ای بدو اصابت کرد و پیکان آن، در بدن وی تا هنگام مرگ، باقی ماند. پیامبر (ص) به شهیدبودن او گواهی داد ۳۵ و گفته می شود او در نبرد صفین، همراه علی (ع) بوده است. ۳۶ رافع، حدیث پیامبر (ص) را می نگاشت و نزد خویش، نگاه می داشت. آورده اند که روزی مروان از حرمت مکه سخن گفت. رافع بن خدیج فریاد زد که:

۳۳. مسند أحمد بن حنبل: ۴۸۳/۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۶/۱

۳۴. الإصابة: ۳۶۲/۲؛ الاستیعاب: ۶۰/۲

۳۵. پیشین.

۳۶. سیر اعلام النبلاء: ۱۸۲/۳؛ الاستیعاب: ۶۰/۲



اگر مکه حرم الهی است، مدینه حرمی است که رسول خدا بدان حرمت بخشیده است. این حقیقت، در پوستی نگاشته شده و در نزد ما محفوظ است که اگر بخواهی، آن را می خوانیم ... ۳۷

۱۷. زیدبن ارقم:

زیدبن ارقم، از خزرجیان یثرب و از صحابیان پیامبر (ص) است، هموست که درباره موضعگیری منافقان افشاگری کرد و رسول الله (ص) را ستود. درباره وی، پس از این، سخن خواهیم گفت.

۱۸. زیدبن ثابت الانصاری:

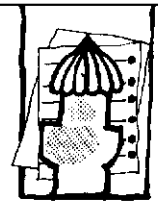
از مفسران، مقریان و چهره های نقش آفرین صحابه است. زیدبن ثابت، از جهاتی مورد توجه خلفا بوده است. او را بسیار می ستودند و بزرگ می داشتند. از وی نقل کرده اند که پیامبر بدو امر کرده است زبان سریانی فراگیرد و نگاشته یهودیان را برای رسول الله (ص) بخواند، و وی در کمتر از نصف ماه، آن را فرا گرفته است. او را کاتب وحی و نیز جامع قرآن دانسته اند؛ لیکن همه این موارد، مورد گفتگوست. ۳۸ از زیدبن ثابت نقل کرده اند که گفته است:

پیامبر به ما امر کرده است چیزی از حدیث وی را ننویسیم و آنچه نوشته ایم، محوکنیم. ۳۹

۳۷. مسند احمد بن حنبل: ۵/۱۳۳؛ تقييد العلم: ۷۲؛ الوثائق السياسية: ۶۴

۳۸. درباره زیدبن ثابت و چگونگی شخصیت وی و پیوند او با جریان خلافت حاکم پس از رسول الله (ص) و نقد و تحلیل این فضایل، بنگرید به الصحيح من سيرة النبي الاعظم، جعفر مرتضى عاملى: ۶/۳۲۱-۳۴۶ و نیز حقائق هامة حول القرآن الكريم: ۱۳۰؛ قاموس الرجال: ۴/۵۳۵ به بعد.

۳۹. تقييد العلم: ۳۵



آقای دکتر اعظمی، اسناد این نقل را منقطع می‌داند و مآلاً غیر قابل استناد. وی احتمال می‌دهد که تن زدن زید - بر اساس برخی از نقلها - از نگاشتن آرا و اندیشه‌های خود بوده است و نه احادیث رسول الله (ص). وی، آنگاه نصوص و نقلهایی را گزارش می‌کند که نشانگر آن است که زید بن ثابت، حدیث را می‌نوشته است؛ و جالب اینکه گاه به درخواست عمر نوشته است؛ از جمله، در پاسخ سؤالهای وی از مسئله ارث «جد» و ...^{۴۰} گفتیم خلفا، وی را می‌ستودند و در مسائل فقهی، بدو مراجعه می‌کرده‌اند. او را اولین کس دانسته‌اند که در «میراث» کتاب نگاشته است. ابوبکر محمد بن خیر اموی اشبیلی، در فهرست خود، از کتاب «فرائض» زید یاد کرده است و سند خود بدان را گزارش کرده است^{۴۱}؛ از این مجموعه و اهمیت آن، در متون حدیثی^{۴۲} و منابع شرح حال نگاری^{۴۳} سخن رفته است. زید، چنانکه آوردیم، به دانش شهره بود. کسان بسیاری به محضر وی می‌شناختند و از او دانش فرامی‌گرفتند و احادیثی می‌نگاشتند. از جمله، ابوقلابه عبدالله بن زید بصری که در نگارش و ضبط و ثبت حدیث، سختکوش بود و نگاشته‌های فراوانی داشت^{۴۴}؛ او در ضمن نگاشته‌هایش، به نقل از زید بن ثابت نیز احادیثی نگاشته بود.^{۴۵} و نیز کثیر بن اقلح که می‌گفت:

ما در نزد زید بن ثابت، احادیث را می‌نگاشتیم.^{۴۶}

۴۰. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۸/۱

۴۱. فهرسة ما رواه عن شیوخه (فهرس ابن خیر الاشبیلی): ۲۶۳

۴۲. سرآغاز این رساله در برخی از منابع حدیثی آمده است؛ بنگرید به المعجم الكبير للطبرانی:

۱۳۴/۵؛ السنن الكبرى للبيهقي: ۴۰۴/۶؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۹/۱

۴۳. سیر اعلام النبلاء: ۴۳۶/۲؛ مختصر تاریخ دمشق: ۱۲۱/۹. درباره دانش زید در علم میراث و

چگونگی فتاوی وی و موضع امامان (ع) درباره آن، بنگرید به الصحیح من سیرة النبی

الاعظم: ۶/...

۴۴. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۴۴/۱

۴۵. الكامل، ابن عدی: ۲۰۸/۱؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۹/۱

۴۶. تقييد العلم: ۱۰۲

۱۹. سَبِیْعَةُ الْاِسْلَمِیَّة:

سَبِیْعَةُ اِسْلَمِی از راویان رسول الله (ص) است، وی همسر سعد بن خوله است (که در «حَجَّةُ الْبَلَاغ» زندگی را بدرود گفت). اندکی پس از مرگ سعد (یکماه یا کمتر)، سَبِیْعَةُ بزاد و کسانی از وی خواستگاری کردند. رسول الله (ص) بر اساسی برخی از نقلها، به وی اجازه ازدواج داد.^{۴۷} بدین سان، چگونگی شوهر کردن مجدد وی، مستند فقهی حکم کسانی شد که بر این باورند که «وضع حمل»، انقضای عده زنان است مطلقاً؛ چه آنانکه طلاق داده شده‌اند و چه آنانکه شوهرانشان زندگی را بدرود گفته‌اند؛ و نیز تفسیر بر آیه «وَاُولَاتِ الْاِحْمَالِ اَجَلُهُنَّ اَنْ یَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» [طلاق/۴].^{۴۸}

چگونگی این ماجرا را از سَبِیْعَةُ سؤال کرده‌اند و او در پاسخ، چگونگی را نگاه داشته است.^{۴۹} برخی کسان، از وی حدیث شنیده‌اند و او برای برخی، حدیث نوشته است؛ از جمله برای: عبدالله بن عتبة^{۵۰}، عمر بن عبدالله بن الارقم^{۵۱}، عمرو بن عتبة^{۵۲} و مسروق بن اجدع^{۵۳}.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۴۷. تهذیب الکمال: ۱۹۳/۳۵؛ الموطأ: ۵۸۹/۲؛ أسد الغابة: ۱۳۸/۷

۴۸. زنی که حامله است، اگر طلاق داده شود، به اتفاق فقیهان، عده او با وضع حمل، پایان می‌یابد؛ اما اگر زن حامله شوهرش بمیرد، فقهای عامه معتقدند که پایان عده، وضع حمل است؛ و فقهای شیعه، بیشترین زمان را ملاک قرار داده‌اند؛ یعنی اگر قبل از چهارماه و ده روز (که عده زنی است که شوهرش مرده است) وضع حمل کند، عده او پایان نمی‌پذیرد، و اگر بعد از آن باشد، باید تا وضع حمل صبر کند (التبیین: ۳۴/۱۰؛ الجامع لاحکام القرآن: ۱۶۵/۱۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسة: ۴۳۲؛ زبدة البیان: ۷۵۵/۲؛ جواهر الاحکام: ۲۷۴/۳۲)

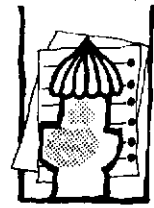
۴۹. الکفایة فی علم الروایة: ۳۳۷

۵۰. پیشین.

۵۱. صحیح مسلم: ۱۱۲۲/۲

۵۲. التهذیب: ۶۲/۸

۵۳. سنن ابن ماجه: ...



۲۰. سعدبن عبادة الانصاری:

سعدبن عبادة، پیشوای خزر جیان و از صحابه انصار است. او قبل از اسلام کتابت را فراگرفته بود و از معدود کسانی است که با عنوان «کامل» یاد شده اند.^{۵۴} سعد را در سخاوت و شجاعت ستوده اند و از ابن عباس آورده اند که رسول الله (ص) دو پرچم داشت: پرچم مهاجران و پرچم انصار؛ پرچم مهاجران با علی (ع) و پرچم انصار با سعد بود. پس از رسول الله (ص)، سعد در حالیکه بر بستر بیماری بود، در سقیفه بنی ساعده با یارانش انجمن کرد؛ اما کاری از پیش نبرد^{۵۵}؛ تا در روزگار خلافت عمر، در بیابان جان سپرد (۱۱) و نظام حاکم چنین شایع کرد که او را جنیان کشته اند!^{۵۶} سعد بر کتابت حدیث، تاکید می ورزیده و او را نگاشته های فراوانی بوده است. ابن حبان در ضمن یادکرد اسماعیل بن عمرو بن شرحبیل نوشته است:

صاحب الوجدات من کتب سعد الانصاری.^{۵۷}

و احمد بن حنبل، چگونگی داوری رسول الله (ص) بر اساس نگاشته های سعد را چنین گزارش کرده است:

إسماعیل بن عمرو بن قیس بن سعدبن عبادة عن ابيه أنهم وجدوا فی کتب سعدبن

عبادة الانصاری: إن رسول الله (ص) قضی باليمن مع الشاهد.^{۵۸}

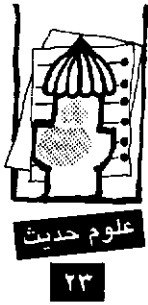
۵۴. در جاهلیت، هرکس شنا، تیراندازی و کتابت می دانست، به او «کامل» می گفتند (طبقات ابن سعد: ۶۰۴/۳، الإصابة: ۵۵/۳).

۵۵. درباره تجمیع سعد و یارانش و چگونگی ماجرا و چرایی آن، ر. ک از جمله به قاموس الرجال: ۴۸/۵ به بعد؛ سیره علوی، محمدباقر بهبودی: ۲۳ به بعد.

۵۶. المعیار والموازنة/۲۳۲؛ انساب الاشراف: ۱/۲۵۰؛ سیره علوی: ۳۱. از مؤمن الطاق سوال کردند چرا علی (ع) بر احقاق حقیقش پای نفشرد و مخاصمه نکرد؟ گفت: ترسید جنیان او را بکشند! (شرح ابن ابی الحدید: ۲۲۳/۱۷)

۵۷. مشاهیر علماء الامصار: ...

۵۸. مسند احمد بن حنبل: ۳۸۵/۶؛ سنن دارقطنی: ۲۱۴/۴



برخی از نقلها، به جای (فی کتب)، (فی کتاب) دارند، که البته در نتیجه گیری برای بحث ما تفاوتی نخواهد داشت و به هر حال، نشانگر آن است که سعد بن عبادہ حدیث را می نوشته است.

۲۱. سلمان الفارسی:

سلمان، یار بیدار دل و صحابی جلیل رسول خدا و از حافظان حدیث و کاتبان حقایق منقول از رسول الله (ص) است. در بخش دیگر، از جایگاه وی در کتابت حدیث، سخن خواهیم گفت.

۲۲. سائب بن یزید:

او محفل نقل حدیث داشت، و شاگرد دانش از او حدیث می شنیدند و می نوشتند و می گسترده. ابن لهیعه می گوید: یحیی بن سعید از آنچه از سائب شنیده بود، می نگاشت و برای من ارسال می داشت.^{۵۹}

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲۳. سمره بن جندب:

وی احادیث رسول الله (ص) را در مجموعه ای سامان داده بود که در منابع حدیثی و رجالی، از آن، گاه با عنوان «رساله»^{۶۰} و دیگر گاه با عنوان «نسخه»^{۶۱} یاد شده است. ابن سیرین از مجموعه سمره یاد کرده و آن را سرشار از دانش دانسته است.^{۶۲} فرزندان سمره، این «نسخه» را روایت کرده اند و روایان و محدثانی از آنها فرا گرفته،

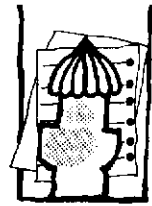
۵۹. الاموال، ابو عبید: ۳۹۳ و ۳۹۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۱۱؛ درباره سائب، بنگرید به

الإصابة: ۱۲/۲؛ اسد الغابة: ۲/۴۰۱؛ التاریخ الكبير: ۱۵۰۴

۶۰. تهذیب التهذیب: ۱۳۰/۲ و ۵۴۴/۱

۶۱. میزان الاعتدال: ۳۹۶/۶

۶۲. تهذیب التهذیب: ۱۳۰/۲



آن را نشر داده‌اند. ^{۶۳} حسن بصری نیز آن را روایت کرده است ^{۶۴} و راشدین سعد مقررانی حمصی را نیز از راویان آن برشمرده‌اند. ^{۶۵} احمد بن عمرو بزّار در مسند خود (به نام «البحر الرّخّار» و) مشهور به «مسند بزّار»، از این مجموعه، هفتاد حدیث را گزارش کرده است و ابوالقاسم طبرانی در اثر فخیم خود (المعجم الکبیر)، یکصد حدیث را. در مجامع حدیثی دیگر نیز روایات آن پراکنده است و این همه، نشانگر شهرت این مجموعه حدیثی است.

۲۴. ابوسعید، سعدین مالک الخُدَری :

ابوسعید خُدَری در موضوع منع تدوین حدیث از شهرتی شایان توجه برخوردار است. پیشتر آورده ایم ^{۶۶} که تنها حدیث صحیح (اگر این ادعا پذیرفته شود) در منع تدوین، از وی نقل شده است. بدین سان، ابوسعید خُدَری، از مانعان تدوین حدیث شناخته شده است. اما آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی بر این باور است که او حدیث را می نوشته است و یا دست کم برای خود ثبت و ضبط می کرده است. ^{۶۷} ما در مقاله پیشین استظهار کرده بودیم که سخن ابوسعید احتمالاً به نگاشتن حدیث همراه قرآن مربوط است و نه نگاشتن آن به گونه مستقل. ^{۶۸}

۲۵. سهل بن سعد، السّاعدی الأنصاری :

سهل نیز از کاتبان و ناشران حدیث است. کسانی از او حدیث فراگرفته و نشر داده‌اند

۶۳. التاریخ الکبیر: ۲۶/۱؛ طبقات ابن سعد: ۴۲۷/۶

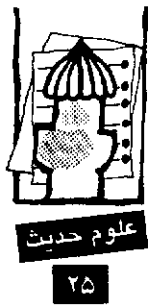
۶۴. تهذیب التهذیب: ۵۴۴/۱؛ طبقات ابن سعد: ۱۵۷/۷

۶۵. سنن بیهقی: ۵۹۹/۹

۶۶. ر. ک به فصلنامه علوم حدیث: ۳۶/۲؛ در آنجا نشان داده ایم که صدور آن از رسول الله (ص) ثابت نیست. افزون بر آن، در معنای حدیث، احتمال دیگری می رود که مآلاً آن را از موضوع خارج می سازد.

۶۷. معرفة النسخ والصحف الحديثية: ۱۶۱؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۱/۱

۶۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۵/۱؛ فصلنامه علوم حدیث: ۳۷/۲



و حکومت وقت، او را به سبب نشر حدیث، سیاست کرده است! پس از این، از وی یاد خواهیم کرد.

۲۶. شداد بن اوس بن ثابت الانصاری:

او از صحابیان جلیل رسول الله (ص) است. او را از فقیهان اصحاب پیامبر بر شمرده اند. ^{۶۹} شداد، جوانان را جمع می کرد و به آنان حدیث املا می کرد. ^{۷۰} کسانی از وی خواستند از رسول الله (ص) کلامی برای آنها نقل کند. گفت: حدیثی را برای شما ارمان می کنم که پیامبر، آن را همواره به ما می آموزاند و املا می کرد و ما می نوشتیم:

اللهم، إني أسألك الثبات في الأمر، وأسألك عزيمة الرشد، وأسألك شكر

نعمتك وحسن عبادتك... ^{۷۱}

به روزگار حاکمیت معاویه بر شام، معاویه از شداد خواست تا به منبر فراز آید و از شان علی (ع) بکاهد و بر آن بزرگوار، طعن زند؛ اما او چنان نکرد و سخنی گفت که معاویه را خوش نیامد و دیگر. گاه کلامی گفت که به واقع، طعن در معاویه برد ^{۷۲} و چون معاویه از او پرسید که علی افضل است یا او، و کدامیک را بیشتر دوست می دارد، وی هوشمندانه بر والایی و برتری علی (ع) تأکید کرد و در پاسخ، سخن به گونه ای بر زبان آورد که از خشم و کین معاویه و گزند گزیده های او مصون بماند. ^{۷۳}

۲۷. شمعون الازدی الانصاری:

شمعون، از صحابیان رسول الله (ص) است، که هنگام فتح دمشق، همراه فاتحان

۶۹. سیر اعلام النبلاء: ۴۶۴/۲؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۷۹/۱۰

۷۰. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۲/۱

۷۱. مسند أحمد بن حنبل: ۱۰۷/۵؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۷۶/۱۰؛ سیر اعلام النبلاء: ۴۶۵/۲

۷۲. البیان والتبیین: ۱۳۲/۴؛ امالی شیخ مفید: ۹۶

۷۳. مختصر تاریخ دمشق: ۲۸۰/۱۰

بوده است. وی در آن دیار، رحل اقامت افکند و او را از بزرگان دمشق بر شمرده اند.^{۷۴}
شمعون، احادیث را می نگاشته و گزارش می کرده است. برخی محدثان، آورده اند که:
ابوریحانه شمعون آزدی را سوار بر کشتی دیدیم که «صحیفه‌هایی به همراه داشت». ^{۷۵}

۲۸. ابوامامة، صدی بن عجلان الباهلی :

ابوامامه از جمله کسانی است که بر کتابت حدیث تأکید می کرده اند. آورده اند که
حسن بن جابر از ابوامامه باهلی، درباره ثبت و ضبط دانش [حدیث] پرسید. گفت:
اشکالی ندارد. [بنویسید]. ^{۷۶}

بر اساس برخی احادیث، ابوامامه، حدیث را املا می کرده و دیگران می نوشته اند.
چنین است آنچه عبدالرزاق گزارش کرده است که: قاسم بن عبدالرحمن شامی، احادیث
ابوامامه را می نگاشت. ^{۷۷}



۲۹. ضحاک بن سفیان الکلابی :

ضحاک از رسول الله (ص) مسائلی پرسیده و پاسخ را به کتابت دریافت کرده است و
بعدها آنچه را از رسول الله دریافت، آن هنگام که از وی سؤال شده، نگاشته و عرضه
کرده است. رسول الله (ص) او را بر اعراب گمارده بود. وی از پیامبر (ص) سؤال
کرده است که زن از دینه شوهرش، ارث می برد یا نه؟ و جواب مثبت درمی یابد. ^{۷۸} پس از
روزگاری، عمر آهنگ آن می کند که زنی را از «دینه» شوهرش محروم کند. ضحاک به عمر
می نویسد که در این باره از رسول الله (ص) سؤال کردم و پاسخ مثبت شنیدم و بدین طریق،

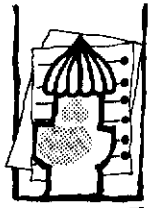
۷۵. مختصر تاریخ دمشق: ۳۳۴/۱۰؛ الإصابة: ۲۸۹/۳

۷۶. الإصابة: ۲۹۱/۳؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۲/۱؛ معرفة الصّحف والنسخ الحدیثیة: ۱۶۹

۷۷. طبقات ابن سعد: ۴۱۲/۷؛ سنن دارمی: ۸۶/۱؛ تقييد العلم: ۹۸

۷۸. المصنف: ۵۱-۵۰/۱؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۲/۱

۷۹. الرّسالة، شافعی: ۴۲۶؛ مسند احمد بن حنبل: ۴۸۵/۴



همسر «أشیم ضبابی» را از دیه وی ارث دادم. ۷۹

۳۰. عائشة بنت ابی بکر:

عائشه، پس از رسول الله (ص) از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. حکومت به وی توجه خاصی داشت و در مواردی، او برای احکام شرعی و مسائل مرتبط به دین و قرآن، مرجع شناسانده می شد. ^{۸۰} آورده اند که او خوب می خواند و در سخنوری و خطابه، بسی چیره دست بود؛ اما کتابتش مورد گفتگوست. ^{۸۱} عائشه خود نیز توجه بلیغی به نقل حدیث داشت؛ احادیث را به کسانی املا می کرد و آنان می نگاهشتند و می گسترده اند. ^{۸۲} مجموعه نقلهای عائشه، بر مسائل قرآنی، دینی و فقهی، تاثیر قابل توجهی نهاده است. بدین سان، عائشه از کسانی است که بر کتابت و نشر حدیث تاکید ورزیده است.

زیاد بن ابی سفیان، عروة بن زبیر و معاویه بن ابی سفیان، کسانی هستند که از وی احادیثی را نوشته اند. عروة بن زبیر فقط در تفسیر، ۹۲ سخن از وی گزارش کرده است. ^{۸۳} قاسم بن محمد بن ابی بکر، ابوسلمه بن عبدالرحمن، ذکوان، مسروق بن الابدع و ... از جمله کسانی هستند که از وی حدیث نقل کرده اند. نقلهای عائشه، چه به گونه حدیث از رسول الله (ص) و چه به صورت رأی و فتوی، در چگونگی شکل گیری آثار مکتوب

۷۹. سنن ابن ماجه: ۸۸۳/۲؛ المصنف: ۳۹۷۹؛ سنن ترمذی: ۴/۴۲۵ و ... یادآوری کنم که فقیهان، ارث از دیه را شامل تمام وارثان می دانند؛ کسانی از فقیهان عامه بر این باورند که زن از دیه همسر مقتولش ارث نمی برد؛ چون پیوند زوجیت بین آنها گسسته است (المعنی: ۲۲۰۶؛ الفقه الإسلامی وادلته: ۲۶۳/۸). لیکن شیخ الطائفه-رضوان الله علیه- بر این مسئله، ادعای اجماع کرده است (الخلاف: ۱۱۴/۴) و استدلال کرده است به روایتی از علی (ع) (همان). بنگرید به الکافی: ۱۳۸/۷؛ التهذیب: ۳۷۹/۹؛ من لایحضره الفقیه: ۴/۲۲۶؛ اقوال دیگر را بنگرید در مرآة العقول: ۲۰۵/۲۳

۸۰. احادیث ام المؤمنین عائشة: ۸۷/۱ به بعد.

۸۱. فتوح البلدان: ۶۶۲؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۳/۱

۸۲. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۴/۱؛ مرویات ام المؤمنین عائشة فی التفسیر: ۱۶

۸۳. مرویات ام المؤمنین عائشة فی التفسیر: ۱۶

تاریخی، فقهی و تفسیری و قرآنی، تاثیر مهمی بر جای نهاده است که اکنون مجال پرداختن بدان نیست. ^{۸۴}

۳۱. عبدالله بن ابی اوفی:

وی از صحابیانی است که در «حدیثیه» و «بیعت رضوان» حضور داشته اند. او تا هنگام رحلت رسول الله (ص) در مدینه بود و آنگاه به کوفه رفت و در آن دیار زیست تا اینکه زندگی را بدرود گفت. او آخرین صحابی بی است که در کوفه درگذشته است. ^{۸۵} سالم بن ابی امیه، کاتب وی بود ^{۸۶} که از او احادیثی را به کتابت گزارش کرده است. ^{۸۷} یکی از دوستان سالم نیز نقل می کند که عبدالله درباره جهاد، احادیثی نگاشت و آنها را برای عیدالله فرستاد و من از وی خواستم آنها را برای من بنویسد. ^{۸۸} عمرو بن عبیدالله نیز از کسانی است که عبدالله برای وی احادیثی نگاشته است. ^{۸۹}

۳۲. عبدالله بن زبیر:

عبدالله بن زبیر را نیز از کسانی بر شمرده اند که بر کتابت حدیث باور داشته است. ^{۹۰} از عبدالله بن زبیر، از جمله، رساله ای یاد شده است که در آن، احادیثی از رسول الله (ص) نوشته بوده است. ^{۹۱}

۸۴. ر.ک به احادیث ام المؤمنین عائشة: ۳۵۹/۱

۸۵. اسدالغایة: ۱۸۱/۳؛ الإصابة: ۱۶/۴؛ تهذیب التهذیب: ۹۵/۳؛ الوافی بالوفیات: ۷۸/۱۷؛

تهذیب الکمال: ۳۱۷/۱۴

۸۶. تهذیب التهذیب: ۲۵۶/۲

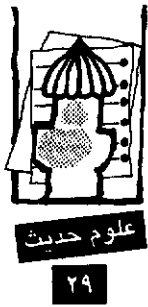
۸۷. تهذیب التهذیب: ۹۵/۳

۸۸. مسند احمد بن حنبل: ۴۷۰/۵

۸۹. صحیح مسلم: ۱۳۶۲/۳؛ المستدرک: ۸۷/۲؛ الکفاية فی علم الرواية: ۳۳۶

۹۰. تاریخ تدوین الحدیث: ۱۱۵/۱

۹۱. مسند احمد بن حنبل: ۵۶۸/۴؛ تعلیقات سنن دارقطنی: ۴۶۴ (ط هند).



۳۳. عبدالله بن عباس :

عبدالله بن عباس از مفسران، محدثان و صحابیان جلیل القدر است. ابن عباس بر کتابت حدیث تأکید داشته است. او در نشر تفسیر و حدیث، به بنان و بیان، بسی کوشیده است. در مقامی دیگر و به هنگام بحث از تدوین حدیث در شیعه، از جایگاه وی در تدوین حدیث، سخن خواهیم گفت.

۳۴. عبدالله بن عمر :

عبدالله بن عمر از فقیهان و محدثان بلند آوازه تاریخ اسلام است. گو اینکه او این بلند آوازی را تا حدودی و امدار پدرش عمر بن الخطاب است؛ اما حضور وی در صحنه های اجتماعی و فرهنگی و مورد توجه قرار گرفتن او در مسائل، بویژه مسائل فقهی، به این شهرت، یاری رسانده است. عبدالله بن عمر، شخصیت شگفتی دارد. او در صحنه سیاست، غالباً حرکت مرموزانه و آمیخته به سکوت و رفتاری متلون دارد. فقه و اندیشه او در شکل گیری فقه سده های پس از وی، تأثیر داشته است.^{۹۲}

به هر حال، عبدالله بن عمر از کسانی است که به گستردگی، حدیث را می نگاشته است. حدیث پژوهان نوشته اند که او همواره احادیث نبوی را در نگاشته هایی گرد می آورد^{۹۳} و کتابها و نسخه هایی از حدیث، به همراه داشت که قبل از آنکه به میان مردم آید، بدانها می نگریست^{۹۴} و نیز نسخه ای از کتاب «صدقات» پدرش را همراه داشت که به واقع، نسخه ای از «کتاب الصدقات» پیامبر (ص) بود.^{۹۵} کسانی از ابن عمر سؤال

۹۲. بنگرید به ...

۹۳. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۰؛ مسند احمد بن حنبل: ۳/...

۹۴. التاريخ الكبير: ۱/ق/۳۲۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۰؛ تاریخ الإسلام، ذهبی: ۴/۴۴۰

۹۵. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۰ به نقل از الاموال، ابو عبید: ۳۹۳

می کردند و او به کتابت جواب می داد^{۹۶} و گاهی او خود، احادیثی از رسول الله (ص) می نگاشت و برای دوستانش می فرستاد.^{۹۷} نافع، غلام وی، احادیثی از او نقل کرده است. ذهبی می گوید:

واقدی از جماعتی روایت کرده است که کتاب نافع، شنیده های او از ابن عمر بوده است که ما آن را می خواندیم.^{۹۸}

به ابن عمر، مخالفت با کتابت حدیث هم نسبت داده شده است؛ اما این نسبت، دلیل استواری ندارد. آقای دکتر مصطفی اعظمی می نویسد:

معارضه با ثبت و ضبط حدیث را به ابن عمر نسبت داده اند؛ اما هیچ تصریحی از وی در این باره در دست نداریم.^{۹۹}

بدین سان، عبدالله بن عمر که در مسائل فقهی، در موارد بسیاری با دیدگاههای پدرش مخالفت کرده است^{۱۰۰}، بعید نمی نماید که این نیز یکی دیگر از موارد مخالفت وی با پدرش باشد.

۳۵. عبدالله بن عمرو بن عاص: پیوند علوم اسلامی

عبدالله بن عمرو بن عاص، در تدوین حدیث، بلند آوازه است؛ کلام مشهور رسول الله (ص) (که پیشتر آوردیم) که به او فرمود: «بنویس؛ به خدا سوگند، از من، جز حق، برون نتراد»^{۱۰۱}، از جمله دلایل متقن تاکید رسول الله (ص) در ثبت و ضبط حدیث است.

عبدالله بن عمرو بن عاص، در کتابت و نگارش، سختکوش بود؛ کسان بسیاری از

۹۶. مسند احمد بن حنبل: ۱۳۷/۲

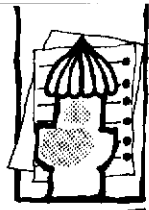
۹۷. مسند احمد بن حنبل: ۲۱۸/۲

۹۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۲۱/۱ به نقل از تاریخ الإسلام ذهبی: ۱۱/۵

۹۹. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۲۱/۱

۱۰۰. موسوعة فقه عبدالله بن عمر: ۲۴

۱۰۱. مسند احمد بن حنبل: ۳۹۵/۲؛ سیر اعلام النبلاء: ۸۹/۳



این ویژگی او یاد کرده اند و تصریح کرده اند که او حدیث را می نوشته است. ^{۱۰۲} روایاتی نشانگر آن است که او به محضر رسول الله (ص) می شتافته و احادیثی را که املا می شده است، می نگاشته است. ^{۱۰۳} عبدالله بن عمرو بن عاص به زبان سریانی آشنایی داشت. ^{۱۰۴} آورده اند که او به برخی نگاشته های «اهل کتاب» نیز دسترسی داشته است ^{۱۰۵}؛ از این روی، او را از جمله کسانی بر شمرده اند که در نشر اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی، نقش داشته اند. ^{۱۰۶}

برخی بر این باورند که عبدالله بن عمرو بن عاص، مجموعه ای در مغازی رسول الله (ص) و سیره آن بزرگوار نیز نگاشته بود، و این نکته را از آن روی که وی احادیث بسیاری از پیامبر (ص) نگاشته است، بعید ندانسته اند. ^{۱۰۷}

عبدالله بن عمرو، حدیث را بر کسان بسیاری املا می کرده است. از این روی، کسان بسیاری از وی حدیث را به کتابت نقل کرده اند. از جمله، شعیب بن محمد بن عبدالله بن عمرو، عبدالرحمن بن سلمة الجمحی، عبدالله بن رباح الانصاری، شفی بن ماع و... ^{۱۰۸} از جمله نگاشته هایی که به عبدالله بن عمرو بن عاص نسبت داده شده است، مجموعه ای است با عنوان «الصحیفة الصادقة» که آن را مشهورترین «صحیفة» نگاشته شده در عصر نبوی به خامه صحابه دانسته اند. ^{۱۰۹} عبدالله خود از این صحیفة بارها یاد می کرده و به آن می بالیده است و تصریح می کرده است که آن را از املاي رسول الله (ص)

۱۰۲. المحدث الفاضل: ۳۶۸؛ تقييد العلم: ۸۲

۱۰۳. مسند احمد بن حنبل: ۴۰۳/۲؛ سير اعلام النبلاء: ۸۹/۳

۱۰۴. طبقات ابن سعد: ۲۶۶/۴

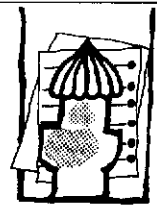
۱۰۵. مسند احمد بن حنبل: ۴۰۰/۲؛ تذكرة الحفاظ: ۴۲/۱

۱۰۶. الاسرائیلیات و اثرها فی كتب التفسیر: ۱۴۳

۱۰۷. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۴؛ آقای محمد مصطفی اعظمی، نشان داده است که بخشهایی از سیره رسول الله (ص) را عبدالله بن عمرو بن عاص نقل کرده است و این را مؤیدی گرفته بر آنچه گفته اند.

۱۰۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۴ و ۱۲۵؛ صحائف الصحابة: ۷۲

۱۰۹. التشریح والفقہ فی الإسلام- تاریخاً ومنهجاً: ۷۵



نگاشته است^{۱۱۰} و گاه چنان می نموده است که او به هنگام شنیدن محتوای این صحیفه، در محضر پیامبر(ص) تنها بوده است.^{۱۱۱} در چگونگی این صحیفه، سخن بسیار است. برخی آورده اند که این صحیفه، دارای یک هزار حدیث بوده است.^{۱۱۲} احمد بن حنبل، بخشهایی از «صحیفه» را در مسند خود، با طُرُق و اسناد مختلف، گزارش کرده است.^{۱۱۳} علامه جلیل، هاشم معروف الحسینی، به این نگاشته، عنوان «صحیفه مزعومه» داده است و بر این باور است که این نگاشته، مجموعه ای است از آنچه عبدالله بن عمرو بن عاص در «نبرد یرموک» از آثار اُمّتهای پیشین یافته و در قالب حدیث، گزارش کرده است.^{۱۱۴} به هر حال، در استنتاج ما تفاوتی ندارد؛ چراکه در هر حال، نشانگر آن است که او بر کتابت، تأکید داشته و حدیث را می نوشته است.^{۱۱۵}

۳۶. عبدالله بن قیس، ابوموسی الأشعری:

ابوموسی اشعری را از کسانی بر شمرده اند که کتابت حدیث را روا نمی دانسته است.^{۱۱۶} خطیب بغدادی گزارشهایی را آورده است که نشانگر تأکید ابوموسی بر حفظ

مرکز تحقیقات فقه و علوم اسلامی

۱۱۰. سنن الدارمی: ۸۶/۱؛ المحدثات الفاضل: ۳۶۶؛ تقييد العلم: ۸۴؛ جامع بيان العلم و فضلہ:

۳۰۵/۱

۱۱۱. سير اعلام النبلاء: ۸۹/۳؛ اسد الغابة: ۳۴۶/۳

۱۱۲. معرفة النسخ و الصحف الحديثية: ۱۷۹ به نقل از اسد الغابة: ۳/...

۱۱۳. مسند احمد بن حنبل: ۱۵۸/۲ به بعد (چاپ مؤسسه الرسالہ: ۶۷۱/۱۱ به بعد).

۱۱۴. دراسات في الحديث و المحدثين: ۲۱؛ تاريخ الفقه الجعفري: ۱۳۹؛ یادآوری کنم که به هنگام

خلافت ابوبکر، عبدالله به همراه پدرش در فتح شام و نبرد یرموک شرکت کرد و در این نبرد، به

مجموعه ای از آثار پیشینیان دست یافت، که نقل از این مجموعه، همیشه نقلهای او را با تردید

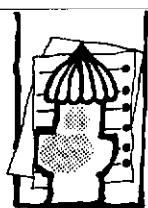
مواجه می ساخت (اسد الغابة: ۳۴۷/۳؛ فتح الباری: ۱۶۶/۱؛ الإسرائيليات و اثرها فی کتب

التفسير: ۱۴۶).

۱۱۵. درباره این صحیفه و طرق آن، از جمله نگاه کنید به معرفة النسخ و الصحف الحديثية: ۱۸۰، و

منابعی که ارائه داده است.

۱۱۶. تقييد العلم: ۴۰



است و نه کتابت. ۱۱۷ او (ابوموسی) برخی از کسانی را که از وی حدیث فراگرفته و نوشته بودند، فراخوانده و گفته است حدیث را حفظ کنید و آنچه را نوشته اید، تباہ سازید. اما آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی، با اشاره به اینگونه نقلها، بر این باور است که او حدیث را می نوشته است. ایشان از جمله استناد می کند به نگاشته ای که ابوموسی به درخواست عبداللّه بن عباس نوشته و مشتمل بوده است بر احادیثی از رسول اللّه (ص). ۱۱۸

۳۷. عبداللّه بن مسعود:

عبداللّه بن مسعود از قاریان، مفسران و عالمان بزرگ دوره صحابه است. مواضع و زندگانی ابن مسعود، از جهات مختلفی شایان بحث است. در کتابت حدیث، از وی دوگونه موضع گزارش شده است. برخی از گزارشها نشانگر آن است که وی حدیث را می نگاشته و بر نشر و گسترش آن، تأکید می ورزیده است. آورده اند که:

عبدالرحمن، پسر ابن مسعود، کتابی نشان داد و سوگند یاد کرد که به خط عبداللّه بن مسعود است. ۱۱۹

گزارش دیگری نیز نشان می دهد که در نزد وی، نسخه هایی از حدیث بوده است. ۱۲۰ شاگردان وی نیز بر تدوین و نشر علم و جستجوی دانش، همت می ورزیدند. ۱۲۱ در نقلهای دیگر، آمده است که نزد فرزند ابن مسعود، نگاشته هایی بوده است از احادیث و فقه ابن مسعود (تاریخ فتوی: ۱۵/۳؛ و نیز بنگرید به دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۵۴) از همه روشنتر، موضع خلیفه دوم در برابر اوست که وی را با گروهی دیگر، به

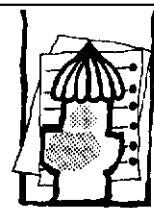
۱۱۷. همان.

۱۱۸. مسند احمد بن حنبل: ۵/۵۳۹؛ السنن الکبری: ۱/۱۵۱

۱۱۹. جامع بیان العلم و فضله: ۱/۳۱۱؛ المصنّف لابن ابی شیبة: ۹/۵۰

۱۲۰. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۷

۱۲۱. تاریخ بغداد: ۱۳/۲۳۴؛ جامع بیان العلم و فضله: ۱/۹۴؛ تهذیب الکمال: ۲۷/۲۵۴



سبب نشر و گستراندن حدیث، سیاست کرد و به زندان افکند.^{۱۲۲} از آنچه آوردیم، روشن است که ابن مسعود بر کتابت و نشر حدیث، همت می ورزیده است. اما گزارشهایی نیز هست که نشانگر آن است که وی، حدیث و یا احادیثی را از بین برده است و بر ستردن مکتوبی همت گماشته؛ اینگونه نقلها از جمله در «تقیید العلم» خطیب و «جامع بیان العلم و فضله» گزارش شده است. لیکن به پندار ما، اندکی تأمل در محتوای نقلها نشان می دهد که انگیزه ابن مسعود از تباه ساختن آنها، نکته ای دیگر بوده است.

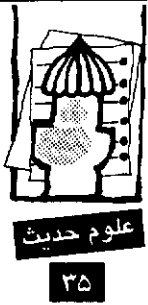
در برخی از نقلها آمده است که «نگاشته ای از شام آوردند که آورنده، از محتوای آن، شگفت زده بود. ابن مسعود بدان نگریست و گفت: پیشینیان با توجه بدینها و روی برتافتن از کتاب الهی منحرف شدند؛ بدین سان آنها را محو کرد». در نقل دیگری آمده است که «ابن مسعود بدانها نگریست و در حالی که آنها را با آب محومی کرد، خواند: نحن نقص علیک احسن القصص؛ و آنگاه گفت: این دلها را جز به قرآن، مشغول مدارید».^{۱۲۳}

محتوای این نگاشته، نشانگر آن است که آنچه ابن مسعود تباه ساخته، از یکسو مشتمل بوده است بر مطالبی شگفت آور و باورنکردنی، و از سوی دیگر، با توجه به استشهاد ابن مسعود به آیه یادشده و تکیه بر اینکه پیشینیان، با روی آوردن بدینها گمراه شدند، و اینکه آن نگاشته ها از شام آورده شده بود، بعید نمی نماید که مشتمل بوده است بر ناستواریهایی از آثار جریانهای فکری دیگر و از جمله، آثار و کتابهای پیشینیان؛ این نکته، روشتر خواهد بود اگر دقت کنیم که ابن مسعود می گوید [در برخی نقلها]: «در این نگاشته، فتنه است و گمراهی و بدعت»^{۱۲۴}. چنین است که یکی از راویان این نقلها می گوید: این صحیفه از آثار اهل کتاب گرفته شده بود و از این روی، ابن مسعود

۱۲۲. تاریخ دمشق: ۱۰۸/۳۹؛ الکامل لابن عدی: ۱۸/۱

۱۲۳. تقیید العلم: ۵۴-۵۶؛ جامع بیان العلم و فضله: ۲۸۳/۱

۱۲۴. تقیید العلم: ۵۵



نقل و ثبت آنها را ناروا می‌داشت. ۱۲۵

بدین سان توان گفت ابن مسعود به لحاظ حساسیتی که در مقابل اسرائیلیات داشته است، از نشر اینگونه مطالب، جلوگیری کرده است. ۱۲۶

۳۸. عتبّان بن مالک الانصاری:

عتبان، از خزرجیان، از انصار و از بدریان است و امامت جماعت قبیله اش (بنی سالم) را به عهده داشته است. کسی به مدینه می‌رود و بازگویی حدیثی را که پیشتر، از وی شنیده بود می‌خواهد؛ او چنین می‌کند و وی این حدیث را می‌نویسد. ۱۲۷

خطیب بغدادی این گزارش را در بخش نگاشته‌های صحابه آورده است و آقای دکتر اعظمی بر اساس این نقل، عتبّان را در شمار ثبت کنندگان حدیث، نوشته است. ۱۲۸

۳۹. علی بن ابی طالب (ع):

علی (ع) بزرگترین، ارجمندترین و والاترین مدافع، حافظ، مبین و مفسر سنت است. از جایگاه آن بزرگوار در نقل و نشر و کتابت حدیث و حراست و حفاظت از ساحت سنت رسول الله (ص)، پس از این، به تفصیل، سخن خواهیم گفت.

۴۰. عمر بن الخطاب:

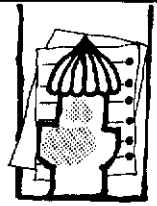
پس از پیامبر (ص) که ابوبکر بن ابی قحافه منع نگارش و ثبت و ضبط حدیث را

۱۲۵. جامع بیان العلم و فضله: ۲۸۳/۱

۱۲۶. در مقامی دیگر، درباره‌ی موضع ابن مسعود در مقابل اسرائیلیات سخن گفته‌ایم و نشان داده‌ایم که ابن مسعود، موضع نفی و طرد داشته است (تاریخ تفسیر، تفسیر در عصر صحابه). در برخی از این روایات، آمده است که در احادیث محوشده، فضایل اهل بیت (ع) بوده است. از چگونگی این موضوع، سخن خواهیم گفت.

۱۲۷. صحیح مسلم: ۶۱/۱؛ تقييد العلم: ۹۴

۱۲۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۴/۱



رقم زد، عمر بن خطاب، در استوار ساختن این شیوه، بسی کوشید و به هنگام خلافت، دامنه این سیاست را بگستراند. با این همه، نصوص تاریخی نشان می‌دهد که او نیز بنه روزگار حیات رسول الله (ص) و حتی پس از آن، حدیث را می‌نوشته است. چنین است که پژوهشیان اهل سنت، و به واقع توجیه‌گران سیاست خلفا، بسی کوشیده‌اند تا برای موضع واپسین خلیفه، محملی و توجیهی بجویند و آن را موجه جلوه دهند.^{۱۲۹}

عمر، احادیث مرتبط با صدقات را جمع و تدوین کرده بود، که بارها پسینیان بدان استناد کرده‌اند. این نسخه را نافع به عبدالله بن عمر عرضه کرده بوده است.^{۱۳۰} بر اساس نقلهایی دیگر، احادیثی دیگر از رسول الله (ص) نیز نوشته بوده است.^{۱۳۱}

به هنگام خلافت نیز عمر، ابتدا قصد داشت حدیث را بنویسد و بنویسند و برای این، با اصحاب رسول الله (ص) به رایزنی پرداخت؛ اما پس از یک ماه - بر اساس برخی از نقلها - تصمیم گرفت از نشر آن جلوگیری کند.^{۱۳۲} و بیانیه‌ای به آبادیها فرستاد که آنان که حدیث را نوشته‌اند، تپاه سیازند.^{۱۳۳} و بر اساس برخی نقلهای دیگر، آنچه را مردم نوشته بودند، چون آوردند و به وی ارائه کردند، سوزانند.^{۱۳۴}

این همه، نشان می‌دهد که تدوین حدیث، معمول بوده است و عمر نیز از جمله کسانی بوده است که حدیث را می‌نگاشته است. و در این جهت - چنانکه پیشتر آوردیم -،^{۱۲۹} پس از این و در مقالات آینده، به این توجیهاات خواهیم پرداخت. گفتنی است که آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی، روایاتی را که نشانگر منع عمر از تدوین حدیث است، ضعیف دانسته و مآلاً غیر قابل استناد؛ و از سوی دیگر، به قرآنی تکیه کرده است که عمر در کتابت و نشر حدیث می‌کوشیده است (دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۳۷). البته این ادعا چندان با اسناد تاریخی همسویی ندارد.

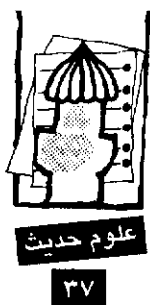
۱۳۰. مسند احمد بن حنبل: ۲۸/۱۱ و نیز بنگرید به الکفایة فی علم الروایة: ۳۵۴

۱۳۱. دراسات فی الحدیث النبوی، به نقل از الاموال، ابو عبید: ۳۹۳؛ التاریخ الکبیر: ۱/۲۸۳

۱۳۲. تقیید العلم: ۴۹

۱۳۳. تقیید العلم: ۵۳

۱۳۴. تقیید العلم: ۵۲



منعی از رسول الله در اختیار نداشته است و منع وی، تصمیمی بود که او بر اساس مصالحی که بدان می‌اندیشید، برگرفت و به چنین موضعی چنگ زد و آثار سوء فراوانی بر جای نهاد.

۴۱. عمرو بن حزم الانصاری:

او از صحابیان رسول الله (ص) است که حضور در نبرد خندق، آغاز حضور وی در جنگهای پیامبر بوده است. پیامبر او را به حاکمیت اهل نجران گمارد و مجموعه‌ای مشتمل بر احکام طهارت، صلوات، غنیمت، صدقه، دیات و...، نگاشت و همراه وی ساخت. ۱۳۵ آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی آورده‌اند که وی برخی از نامه‌های رسول الله (ص) را به صورت کتاب جمع کرده بوده است. این کتاب را پسر وی (محمد بن عمرو)، روایت کرده است. این مجموعه، همراه کتاب ابن طولون (اعلام السائلین عن کتب سید المرسلین) به چاپ رسیده است. ۱۳۶

۴۲. فاطمة الزهراء (س): مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

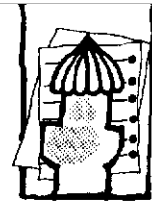
پیشتر به مناسبتی از «مصحف» فاطمه (س) و چگونگی آن یاد کرده‌ایم. ۱۳۷ این مجموعه که همواره در اختیار امامان (ع) بوده است، میراث ارجمندی است از فاطمه اطهر (س) که بر آن بزرگوار املا شده است و علی (ع) آن را کتابت کرده است. ۱۳۸ از منابع

۱۳۵. أسد الغابة: ۲۰۲/۴؛ الجرح والتعديل: ۲۲۴/۶؛ الوفاقیة السیاسیة: ۲۱۱؛ سفراء النبی: ۸۸۱-۹۰۰؛ در این کتاب، چگونگی فرستادن عمرو به یمن، و متن نامه و مسائل مرتبط با آن، به تفصیل بحث شده است.

۱۳۶. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۳۹/۱

۱۳۷. فصلنامه علوم حدیث: ۲۵/۲

۱۳۸. الکافی: ۲۴۰/۱؛ بصائر الدرجات: ۱۵۷ و... در مقاله یادشده، بر اساس برخی روایات و نیز پژوهشهای عالمان، آورده‌ایم که این مجموعه به املاي رسول الله (ص) بوده است. در این باره، پس از این نیز سخن خواهیم گفت.



و گزارشهای پراکنده ای دیگر می توان استفاده کرد که در محضر آن بانوی بزرگوار، نگاشته های دیگر مشتمل بر رهنمودها و کلمات گهربار رسول الله (ص) بوده است. ۱۳۹ در بخش دیگری، در این باره، بشرح تر سخن خواهیم گفت.

۴۳. فاطمة بنت قیس :

وی از بانوان هوشمندی است که او را به کمال و خرد ستوده اند. دانشوری او در حدیث، مشهور است. وی افزون بر حلقات درس و نقل حدیث، حدیث را املا می کرد و شاگردانش می نگاشتند. ابوسلامه بن عبدالله بن عبدالرحمن، مجموعه ای از احادیث را به املائی وی تدوین کرده است. ۱۴۰

۴۴. محمد بن مسلمة الانصاری :

او از صحابیان پیامبر (ص) و از انصار است؛ در تمام نبردهای پیامبر (ص) بجز تبوک، شرکت کرد و در مدینه درگذشت. او از کسانی است که در جنگهای روزگار خلافت علی (ع) سکوت کرده و در جرگه «قاعدین» قرار گرفته است. ۱۴۱ آورده اند که در غلاف شمشیر او، صحیفه ای مشتمل بر احادیثی از پیامبر اکرم (ص) بود. ۱۴۲

۴۵. معاذ بن جبل :

معاذ، از صحابیان رسول الله (ص) و از خزرجیان است. او از جمله هفتاد نفری است که قبل از هجرت، در مکه با رسول الله (ص) پیمان بستند. او در نبردها همراه پیامبر (ص)

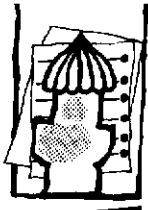
۱۳۹. الکافی: ۶۶۷/۲؛ مسند أحمد بن حنبل: ۴۰۳/۶؛ تاریخ الإسلام، ذهبی: ۲۸۴/۳؛ المعجم

الکبیر: ۲۷۰/۲۴؛ دلائل التوثیق المبکر للسنة: ۵۱۸

۱۴۰. صحیح مسلم: ۱۱۱۴/۲؛ مسند أحمد بن حنبل: ۵۶۳/۷؛ طبقات ابن سعد: ۸/...

۱۴۱. اسد الغایة: .../...؛ التاریخ الکبیر: ۲۳۹/۱

۱۴۲. المحدث الفاضل، رامهرمزی؛ به نقل از دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۴۰/۱



بود^{۱۴۳}؛ اما پس از پیامبر(ص)، بر صراط مستقیم، استوارنماند و به کژراهیها و تحریف حقایق نیز یاری رساند. ^{۱۴۴} رسول الله(ص) معاذ را به یمن گسیل داشت و کتابی مشتمل بر برخی احکام، همراهش کرد. ^{۱۴۵} موسی بن طلحه، نسخه ای از این کتاب را می داشته است. ^{۱۴۶} کتابهای معاذ بن جبل، نزد عبدالله بن عائد نیز بوده است. ^{۱۴۷} بدین سان او هم حامل آثار مکتوب بوده است و ناشر آن و هم خود، آثار مکتوب از احادیث داشته است.

۴۶. میمونه بنت الحارث الهلالی:

میمونه از همسران رسول الله(ص) است که به سال هفتم هجری، پیشنهاد ازدواجش با رسول الله را طرح کرد و پیامبر، او را به همسری برگزید. عایشه گفته است: او در میان زنان پیامبر، پارساترین بود. ^{۱۴۸} کسان بسیاری از وی حدیث نقل می کنند؛ از جمله، فرزند خواهرش، مفسر بزرگ، عبدالله بن عباس. وی احادیث بسیاری را املا کرده و عطاء بن یسار نگاهشته است. برخی از این روایات را عمر بن اسحاق بن یسار از کتاب عطا نقل می کند. ^{۱۴۹}

۱۴۳. أسد الغابة: ۱۸۷/۵؛ التاريخ الكبير: ۳۵۹/۷

۱۴۴. الإختصاص: ۱۸۴؛ معجم رجال الحديث: ۱۸۳/۱۸؛ در مواضع متعدّد از بحار الانوار، گزارشهای جالب توجهی آمده است که ضمن چهره نمایی معاذ، در تحلیل تاریخ پس از پیامبر(ص)، بسی سودمند است. بنگرید به مستدرکات علم رجال الحديث: ۴۳۶/۷، که همه این موارد را یاد کرده است.

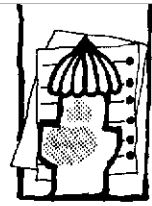
۱۴۵. أسد الغابة: ۱۸۸/۵؛ کنز العمال: ۴۹۴/۲؛ محمود شیت خطاب، در اثر ارجمندش (سفراء النبی: ۱/۷۳۴ به بعد) به تفصیل، ماجرای رفتن معاذ به یمن را آورده و متن نامه و رساله را بر اساس منابعی کهن گزارش کرده است.

۱۴۶. مسند احمد بن حنبل: ۳۰۰/۶

۱۴۷. دراسات فی الحديث النبوی: ۱/۱۴۰، به نقل از المحدث الفاصل.

۱۴۸. تهذیب التهذیب: ۵۶۱/۱۲

۱۴۹. مسند احمد بن حنبل، ج ۴۶۷/۷؛ دراسات فی الحديث النبوی: ۱/۱۴۲



۴۷. نعمان بن بشیر الانصاری :

از صحابیان خزر جی است که روزگاری بر «حمص» حکم می راند. ۱۵۰ او حدیث را می نوشت و می گسترد. نگاشته های او را کسانی می داشتند و نقل می کردند؛ از جمله، قیس بن هیشم، ضحاک بن قیس، حیب بن سالم و ... ۱۵۱

۴۸. وائلة بن الاسقع :

وی قبل از نبرد تبوک، اسلام آورد و در آن جنگ شرکت جست. او مردی تهی دست بود. پس از پیامبر (ص) به دمشق رفت و در آن دیار، روزگار گذراند و آخرین صحابی است که در دمشق، زندگی را بدرود گفته است. ۱۵۲ او بر نشر حدیث، تأکید داشت؛ حدیث را املا می کرد و دیگران می نوشتند. ۱۵۳

آنچه تا بدینجا آوردیم، گزارش نام و آثار کسانی از صحابه رسول الله (ص) بود که در ثبت و ضبط حدیث، کوشیده اند. مجموعه این گزارشها نشانگر آن است که صحابیان، حدیث را می نوشتند. هم در روزگار رسول الله (ص) و هم در روزگار پس از پیامبر - با اینکه بی گمان جریان حاکم نه نگارش حدیث را خوش می داشت و نه نشر و گسترش آن را. با این همه، بر این نکته تأکید می ورزیم که در عدم کتابت حدیث، هیچگونه نص شرعی وجود نداشته است، و از پیامبر، هیچگونه منعی صادر نشده بود؛ وگرنه، این همه صحابیان برخلاف کلام رسول الله (ص) همت نمی ورزیدند. بی گمان، آنچه اکنون پژوهشگران از لابه لای اسناد تاریخی عرضه کرده اند، اندکی است از بسیار و نشانی است از عدم انقطاع کتابت حدیث و نشر آن؛ و گرچه نه به گونه ای گسترده و جریانی معمولی و همگانی.

۱۵۰. أسدالغابة: ۳۱۰/۵

۱۵۱. مسند احمد بن حنبل: ۳۴۸/۴؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۴۲

۱۵۲. سیر اعلام النبلاء: ۳/۳۸۶؛ الإصابة: ۶/۴۶۲؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۶/۲۳۷

۱۵۳. سیر اعلام النبلاء: ۳/۳۸۶؛ تقييد العلم: ۹۹ (حاشیه).